



بدون توجه به توانایی‌های افراد در ابتدا به میزان شهرت آنها به ویژه در فضای مجازی نگاه کرده و دست به انتخاب می‌زنند. این اتفاق برای افرادی مانند شما که برای ویتترین یک اثر و خلق کاراکترهای متفاوت تلاش می‌کنید تا چه اندازه باعث ایجاد چالش می‌شود؟

من درک می‌کنم که بخشی از سینما سرمایه و سرمایه‌گذاری است و این نکته برای همه قابل درک است اما همین بازیگران مطرحی که در حال حاضر شاهد حضورشان در سینما هستیم و بازیگران خوبی هستند پانزده سال پیش کجا بودند؟ به هر حال این افراد نیز روزی انتخاب شدند و کارگردان یا تهیه‌کننده‌ای برای انتخابشان ریسک کرده‌اند که الان بازیگران محبوب مخاطبان بوده و پروژه‌ها مشتاق همکاری با آن‌ها هستند. صحبت من این است که در کنار این افراد باید با افراد نوظهور نیز کار کرد و بدنه سینما را با نبود بازیگرانی که مخاطب آنها را دوست دارد تهی نکنیم و ناگهان متوجه فقدان در نسل‌های بازیگران نشویم. پس چالش اصلی این است که ما باید در کنار بازیگران مطرح و شناخته‌شده‌ای که داریم بازیگرانی قرار دهیم که در این مسیر آنها نیز شناخته شده و این کار به خوبی و درستی انجام شود.

زمانی که حضور سیاوش طهمورث و کاظم هژیر آزاد را در «زخم کاری» شاهد هستیم این برداشت را می‌توانیم داشته باشیم که بیان می‌تواند فاکتور مهمی برای شما



در این نقطه شخصی که کار و حرفه او انتخاب بازیگر برای یک اثر است با توجه به علمی که در این حوزه دارد و تجربه‌ای که کسب کرده با توجه به توانایی‌های بازیگران این قالب‌ها و المان‌ها را می‌شکند. به عنوان مثال در فیلم سینمایی «منصور» متوجه شکسته شدن این قالب‌ها می‌شوید چرا که بازیگرانی را می‌بینید که بارها دیده‌اید اما در این کار برای شما خالق کاراکترهایی نو هستند و انگار تا به آن لحظه آن‌ها را ندیده‌اید. نکته آخر در این موضوع این است که تنوع بازیگران در سینمای ما کم است به این معنی که شاید باور آن سخت باشد که اگر در این لحظه گفته شود نیاز به بازیگری در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال داریم تعداد انتخاب‌ها به اندازه تعداد انگشتان دو دست هم نمی‌رسد که این خود یک ضعف بزرگ است چرا که این محافظه‌کاری در میان تهیه‌کنندگان آثار سینمایی، تلویزیونی و حتی شبکه نمایش خانگی باعث شده است ما نتوانیم بازیگران خوب و بزرگی را تربیت و معرفی کنیم و این اتفاق باعث می‌شود همچنان بازیگران ۴۰ ساله‌ای ببینیم که نقش دخترها یا پسرهای ۲۰ یا ۲۵ ساله را بازی می‌کنند. روی صحبت‌ها به اشتباه با درست بودن این اتفاق نیست چرا که این هم یک نگاه است اما در حال حاضر تعداد این انتخاب‌ها در سینمای ما به شدت افزایش پیدا کرده و این می‌تواند به عنوان یک ضعف محسوب شود.

با توجه به ریسکی که در حال حاضر در انتخاب بازیگران در خیلی از پروژه‌ها دیده نمی‌شود، این روزها شاهد آن هستیم که تهیه‌کنندگان

متعددی را برای ایفای نقش‌ها پیشنهاد می‌دادم و ممکن بود برای یک کاراکتر کاندیدای متعددی را در پیشنهادهای خود داشته‌م که در نهایت با گفت‌وگو با بازیگران و همچنین آشنایی بیشتر با شخصیت و فضای ذهنی آنها و در ادامه با گفت‌وگوی بازیگر و کارگردان به انتخاب نهایی خود می‌رسیدیم. گفت‌وگوهای چند جلسه‌ای با کارگردان تا دو طرف بتوانند به یک تعاملی برای همکاری با یکدیگر برسند اما همیشه همکاری میان کارگردان و تیم انتخاب بازیگر باید در خدمت تفکر کارگردان پیش رود و در «زخم کاری» نیز من و محمدحسین مهدویان در ابتدا به دلیل سابقه دوستی که با یکدیگر داریم و گفت‌وگو‌هایی که درباره فیلمنامه و شخصیت‌های فیلم با یکدیگر داشتیم منجر به انتخاب بازیگران سریال شد.

اگر بخواهم به صحبت ابتدایی شما رجوع کنم مبنی بر فاکتور اصلی شما برای انتخاب بازیگر که جلوگیری از تکرار فرد در نقش‌های یکسان است؛ در حال حاضر نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از نقاط دنیا شاهد بازیگرانی هستیم که در حال ایفای نقش‌هایی مشابه هستند و در مسیری تکراری فعالیت می‌کنند. از نظر شما چه می‌شود که این تکرار رخ می‌دهد و آیا این یک ایراد در سینما است؟

بخش زیادی از این اتفاق، نگاه کلیشه‌ای است که در سینمای ما وجود دارد به این صورت که وقتی یک فردی نقش پلیس را به خوبی بازی می‌کند از آن به بعد همیشه باید کاراکترهای پلیس به او پیشنهاد شود و زمانی که یک بازیگر کم‌دیدی کار می‌کند دیگر همیشه باید شاهد ایفای کاراکترهای کم‌دیدی از او باشیم. به عنوان مثال هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که نقش وکیل در سریال «زخم کاری» به عباس جمشیدی‌فر برسد چرا که او را همیشه در کارها و کاراکترهای کم‌دیدی دیده بودیم و این اولین باری نبود که من چنین انتخابی کردم، سال‌ها پیش نیز در سریال «میوه ممنوعه» من پیشنهاد بازی امیر جعفری را برای کاراکتری جدی و یا حتی منفی یا خاکستری را دادم در حالی که تا پیش از آن او را در کارهای کم‌دیدی دیده بودیم. بنابراین این نگاه کلیشه‌ای که در سینمای ما وجود دارد و در کنار آن کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگانی که علاقه‌ای به ریسک در انتخاب کاراکترها ندارند و دست به انتخاب بازیگران جدید و یا حضور متفاوت آنها نمی‌زنند منجر به توالی نقش‌های تکراری برای یک بازیگر می‌شود چرا که صاحبان اثر می‌خواهند به سرعت به شخصیت ذهنی خود برسند و در این راه اتفاق جدیدی را همراه با ریسک تجربه نکنند. همان‌طور که می‌بینید در حال حاضر بازیگری که شخصیت منفی را بازی می‌کند پس از آن نیز نقش‌های منفی به او پیشنهاد می‌شود.



در «زخم کاری» نیز من و محمدحسین مهدویان در ابتدا به دلیل سابقه دوستی که با یکدیگر داریم و گفت‌وگو‌هایی که درباره فیلمنامه و شخصیت‌های فیلم با یکدیگر داشتیم منجر به انتخاب بازیگران سریال شد